

جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد

دکتر ابراهیم شعاریان *

چکیده

در ادبیات حقوقی ما، مطالبه‌ی خسارت معنوی در قلمرو مسئولیت قهری مورد مطالعه قرار گرفته و به دلایلی نامعلوم، جبران آن در حوزه‌ی مسئولیت قراردادی چندان واکاوی نشده است. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که جبران زیان‌های روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد، از اهمیت لازم برخوردار است و با مطالعه‌ی تطبیقی می‌توان دیدگاه‌های جدیدی را در حقوق داخلی مطرح نمود.

تدوین مقرراتی در باب لزوم جبران خسارت روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد، در اسناد مهم بین‌المللی مانند «UPICC» و «PECL» نیز نشان از ضرورت رعایت همه‌جانبه‌ی کرامت معنوی انسان دارد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که جبران خسارت معنوی در بسیاری از قراردادها تحت شرایط خاص، مورد تایید رویه‌ی قضایی کشورهای مورد مطالعه قرار گرفته است.

کلید واژگان

خسارت روحی و روانی، نقض قرارداد، مسئولیت قراردادی، قابلیت پیش‌بینی ضرر.

* عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز.

۱- طرح اولیه بحث

یکی از اقسام خسارات قابل جبران، زیان‌های معنوی است؛ در بسیاری از موارد اشخاص، متحمل آسیب‌های روحی و روانی می‌شوند و منطق ایجاب می‌کند که برای تسکین آلام روحی نیز طریقه‌ای برای جبران، در نظر گرفته شود. مناقشات بسیاری در خصوص قابلیت جبران خسارت معنوی در گرفته است، اما در حال حاضر، قابلیت جبران هرگونه خسارات وارده به اشخاص از جمله زیان‌های معنوی، مورد پذیرش قانون‌گذار، دکترین و رویه‌ی قضایی قرار گرفته و اختلاف نظرهای موجود، بیش‌تر در ارتباط با میزان و شرایط استحقاق و اشخاص ذینفع در مطالبه‌ی چنین خساراتی است.

در آثار حقوقی ما، خسارت معنوی در مسئولیت مدنی قهری مورد بررسی قرار گرفته ولی در مسئولیت قراردادی چندان مورد توجه واقع نشده است. رویه‌ی قضایی نیز اساساً چه در مسئولیت قهری و چه در مسئولیت قراردادی مجال ارایه‌ی طریق را چندان که باید، نیافته است.^۱

برعکس در حقوق بعضی کشورها نظیر آمریکا و انگلستان به موجب برخی آرای صادره و تحت شرایطی، مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد به رسمیت شناخته شده و در پاره‌ای دیگر از آرا نیز مطالبه‌ی چنین خساراتی تایید نشده است. پاره‌ای نویسندگان نیز، راه‌کارهایی در این خصوص ارایه و مطالبه‌ی خسارات مورد بحث را تصدیق نموده‌اند.

۱. برای مطالعه‌ی تعدادی از آرای محاکم در خصوص خسارت معنوی در مسئولیت قهری رک: اصغری، فخرالدین، «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران»، مجله‌ی پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره‌ی ۹ و ۱۰، سال ۱۳۸۲، صص. ۳۹ و ۴۰.

بنابراین شایسته است که موضوع همراه با مطالعه‌ی تطبیقی واکاوی شود تا زوایای پنهان آن بیش‌تر در معرض دید صاحبان نظر قرار گرفته و امکان ارایه‌ی راه‌کارهای مناسب فراهم شود.

آنچه در این خصوص گفتنی است، این که اساساً موضوع بحث حاضر به مقوله‌ی امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی به طور کلی یا نظرات موافقین و مخالفین خسارت معنوی اختصاص ندارد. فرض بر این است که در نظام حقوقی ما نیز مانند سایر نظام‌های حقوقی، خسارت معنوی قابل اثبات، قابل ارزیابی و قابل جبران است. اساس بحث حاضر این است که آیا در مسئولیت قراردادی نیز، متعهد ملزم به جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد می‌باشد یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است حدود، شرایط و قلمرو چنین مسئولیتی تا چه اندازه می‌باشد.

۲- ضرورت و اهمیت موضوع

شاید در بادی امر چنین تصور شود که مطالبه‌ی خسارت معنوی در قلمرو مسئولیت قهری مصداق دارد و در مسئولیت قراردادی که طرفین به دنبال کسب سود و امتیازات مالی و اقتصادی هستند، فاقد موضوعیت است. اما نگاهی گذرا به انواع و اقسام قراردادها نشان می‌دهد که پاره‌ای از آن‌ها چنان با مفاهیم و ضوابط روحی و روانی و عاطفی پیوسته است که نقض چنین قراردادهایی، بیش از آن که به منافع اقتصادی و مالی صدمه وارد سازد، مخل آسایش و امنیت روحی و روانی شخص بوده و پدید آورنده‌ی خسارت معنوی است. در حقوق ایران با وجود بیان انواع قراردادها، تقسیم‌بندی عقود به اعتبار هدف آن از حیث تأمین منافع اقتصادی و یا منافع روحی و روانی مورد توجه قرار نگرفته است. امروزه تقسیم‌بندی دیگری در ارتباط با معاملات براساس هدف طرفین مورد نظر قرار گرفته است. به این توضیح که در پاره‌ای از معاملات هدف اساسی و اصلی طرفین، جلب منافع مادی و

اقتصادی است مانند قراردادهای تجاری و بیع و در برخی دیگر، هدف از انعقاد قرارداد، تحصیل منفعی است که بیش تر با عواطف و ابعاد معنوی انسان در ارتباط است. در هر دو نوع از قراردادهای مورد اشاره، امکان این که طرف عقد، به واسطه نقض قرارداد متحمل خسارت معنوی شود، وجود دارد، لکن در دسته دوم، یعنی قراردادهایی که با ابعاد معنوی و شخصیتی انسان در ارتباط است، تحقق چنین خساراتی به واقعیت نزدیک تر است.

به عنوان مثال، در قرارداد بیع نیز این امکان وجود دارد که خریداری ثمن معامله را بپردازد اما به علت نقض عهد از سوی فروشنده، موفق به تحویل گرفتن مبیع نشود و در نتیجه آسیب روحی و روانی متحمل شود، اما در قرارداد ظهور فیلم های مربوط به مراسم جشن عروسی، چنانچه متعهد نقض عهد کند و به واسطه تخریب فیلم، نتواند عکس های یادگاری را چاپ کند، خسارت معنوی صاحب عکس، به نحو برجسته ای قابل درک است. هم چنین اگر خیاطی متعهد شود که در زمان معین، لباس عروسی مورد سفارش را تحویل دهد، لیکن نقض عهد کند به نحوی که سفارش دهنده، مجبور شود بدون لباس مورد نظر در مراسم ازدواج شرکت نماید، تحقق خسارت معنوی برای چنین شخصی غیرقابل انکار است. در مورد قرارداد تدفین مردگان و قراردادهای حمل و نقل، جراحی های زیبایی و نشر کتاب، چنین واقعیاتی قابل لمس است و امکان وقوع خسارت معنوی بسیار بیش تر از تحقق خسارات مالی و اقتصادی است.

پس ضرورت دارد تا موضوع مورد بررسی قرار گیرد و راه حل نهایی منطبق با اصول و قواعد حقوقی از یک سو و واقعیات اجتماعی از سوی دیگر ارایه شود.

۳- خسارت معنوی قراردادی در حقوق ایران

در مقررات موضوعه از جمله قانون مدنی، صریحا راجع به امکان مطالبه ی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد، حکمی بیان نشده است.

برخی^۲ با استناد به ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی معتقدند که در شمول حکم به پرداخت خسارت معنوی ناشی از تخلف قراردادی تردید وجود ندارد و وارد کردن لطمه به هر حق قانونی دیگری که موجب ضرر معنوی او شود، سبب مسئولیت است و روشن است که عبارت «هر حق دیگر» حق ناشی از قرارداد را هم در بر می‌گیرد و دلیل بر تخصیص آن به برخی از حقوق وجود ندارد. ایشان افزوده‌اند که با لحاظ عموم عبارت ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی، دلیلی بر انحصار حق قانونی مذکور به حقوق قانونی غیرقراردادی، وجود ندارد و در نتیجه، خودداری از اجرای تعهد قراردادی و ادای دین-گونه‌ای لطمه وارد کردن به حق متعهدله است که هر گاه این عمل سبب ضرر معنوی متعهدله شود، مسئولیت متخلف را به جبران آن در پی خواهد داشت. این عده ضمن تایید جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد، مسئولیت مذکور را مسئولیت قهری و غیرقراردادی تلقی نموده‌اند.

اگر چه در خصوص قابلیت مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد بایستی قایل به تفکیک شد^۳، لیکن چنین پنداری از مبنای مسئولیت صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا اگر از ماده‌ی اول قانون مسئولیت مدنی، تعبیر عام به عمل آید و لزوم جبران خسارت معنوی در مسئولیت قراردادی تایید شود، استدلال به این که مسئولیت پدید آمده از نقض قرارداد، قهری است، فاقد مبنای علمی می‌باشد.

عده‌ای دیگر^۴ از حقوق دانان نیز به استناد مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، لزوم جبران ضرر معنوی ناشی از عدم اجرای قرارداد را تایید نموده و استدلال کرده‌اند که وقتی

۲. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، آثار قراردادهای و تعهدات، جلد سوم، تهران، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص. ۲۵۹ و ۲۶۰.

۳. این تفکیک در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

۴. صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادهای، جلد دوم، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۲؛ کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادهای، جلد ۴، تهران، نشر انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، ص. ۲۳۵.

قانون‌گذار ضرر معنوی را قابل جبران دانسته است تفاوتی ندارد که ضرر، ناشی از عدم اجرای قرارداد یا ناشی از جرم یا شبه جرم باشد و افزوده‌اند که ملاک جبران خسارت معنوی در مسئولیت قراردادی و مسئولیت قهری یکی است.

در رویه‌ی قضایی نیز، رای‌ی که موید تایید یا رد مطالبه‌ی خسارت مورد بحث باشد، ملاحظه نمی‌شود. یکی از دلایل سکوت رویه‌ی قضایی در این خصوص، فراهم نبودن زمینه‌های اجتماعی طرح دعاوی خسارت معنوی از یک سو و عدم آگاهی اکثریت مردم به حقوق خود در ارتباط با لزوم جبران خسارت معنوی می‌باشد.

۴- خسارت معنوی قراردادی در نظام حقوقی کامن‌لا

در نظام کامن‌لا، که مبتنی بر آرای قضایی است، جبران خسارت معنوی ناشی از قرارداد، در موارد خاصی تایید شده است. برخی معتقدند^۵ یکی از تفاوت‌های نظام حقوقی رومی - ژرمنی و کامن‌لا، امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی قراردادی است^۶ و تاکید شده است که در کامن‌لا یک بی میلی آشکار برای تجویز چنین دعاوی از یک قرن پیش وجود داشته است. جهت بررسی موضوع در این سیستم حقوقی، رجوع به آرای محاکم در انگلیس، آمریکا و کانادا می‌تواند مفید و موثر واقع شود. قابل ذکر است که سایر کشورهای دارای این نظام حقوقی، نظیر استرالیا، نیوزلند و ایرلند تقریباً روش مشابهی را از رویه‌ی دادگاه‌های انگلستان اتخاذ نموده‌اند.

5. Handford, P.R., «Moral Damage in Germany», International & Comparative Law Quarterly, Vol. 27, No. 4, 1978, p.849.

۶. در مباحث آتی ملاحظه خواهیم کرد بین دو نظام حقوقی یاد شده در خصوص امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی قراردادی، تفاوت چندانی وجود ندارد.

اول - حقوق انگلستان

در حقوق این کشور، که مهد نظام کامن لا به شمار می‌رود، وصول خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد، برخلاف خسارات مالی که جبران آن مسلم فرض شده، محل بحث و تردید است.

قاضی بالکام^۷، معتقد است که آرای محاکم در این زمینه، با یکدیگر مطابقت و هماهنگی ندارند. در تعدادی از دعاوی سابق^۸ وصول خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد تایید نشده است، اما برخی آرای دیگر^۹، مطالبه‌ی چنین زیان‌هایی را تجویز نموده‌اند.

در بعضی آرای که اخیراً صادر شده^{۱۰} قاعده‌ی کلی چنین در نظر گرفته شده که خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد، به استثنای قراردادهای خاص و معین، قابل مطالبه نمی‌باشند.

در میان این تردیدها، عده‌ای پیشنهاد نموده‌اند که اصل قابلیت جبران خسارت روحی و روانی بایستی براساس تئوری محدودیت‌های متداول^{۱۱} و عرفی در همه‌ی اقسام قراردادها اعمال شود؛ به عبارت دیگر، مطالبه‌ی چنین خسارتی در همه‌ی قراردادها با محدودیت‌های مورد نظر پذیرفته شود. در مقایسه با احکام صادره از دادگاه‌های آمریکا در پذیرش خسارت معنوی، قضات انگلستان با احتیاط و ملاحظه‌ی بیش‌تری عمل می‌کنند^{۱۲}.

7 . Balcombe L.J.

8 . *Croom v. Crocker* [1939] 1 KB 194; *Cook v. Swinfen* [1967] 1 WLR 457.

9 . *McCall v. Abelesz* [1976] 1 QB 585 at 594.

10 . *Watts v. Morrow* [1991] 1 WLR 1421 at 1445.

11 . Usual Limiting Doctrines.

12 . Ribeiro, Robert, *Commercial Litigation, Damages and Other Remedies for Breach of Contract*, London, Thorogood Pub., 2005, p.19.

نگاهی به گذشته‌ی کامن‌لا نشان می‌دهد که خسارات روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد غیرقابل جبران تلقی می‌گردید، اما مانند همه‌ی نظام‌های حقوقی، تعدادی از استثنائات برای تعدیل این قاعده‌ی خشن پیش‌بینی شده است. البته هم دایره‌ی اصل و هم قلمرو استثنائات، به اعتقاد برخی^{۱۳} موجب سردرگمی و ابهام شده، اما آنچه مهم است، گرایشی است که به سمت لزوم جبران خسارت معنوی آغاز گردیده است.

با در نظر گرفتن این که خسارات و صدمات روحی ناشی از نقض قرارداد در مواردی شدیدتر و مهم‌تر از خسارات مالی است، دادگاه‌های انگلستان به واسطه‌ی نتایج نامطلوب ناشی از نظریه‌ی سنتی و قدیمی کامن‌لا محدوده‌ی استثنائات را توسعه داده‌اند.^{۱۴} برای آن که بتوان شناختی کلی از رویه‌ی محاکم انگلستان در زمینه‌ی مورد بحث ارایه داد، ضرورت دارد آرای مهم و مورد استناد محاکم بررسی شوند.

۱- قضیه‌ی *اودیس*^{۱۵}

در پرونده، خسارت معنوی مورد تایید قرار نگرفت و حکم بر رد آن صادر شد و بر همین اساس در دعاوی بعدی از جمله دعاوی *بلیر*^{۱۶} نیز همان قاعده مورد استناد قرار گرفت و اظهار شد که براساس قاعده‌ی اعمال شده توسط مجلس اعیان در دعاوی *اودیس*، نقض قرارداد (برخلاف مسئولیت مدنی خارج از قرارداد) مجوزی برای صدور حکم جبران خسارت روحی و روانی و پریشانی احساس به شمار نمی‌رود.

13. Holmes, Renee, «Mental Distress Damages for Breach of Contract», Victoria University, Wellington Law Review, 2004, p. 1.

14. *Ibid.*

15. *Addis v. Gramophone Co. Ltd.* [1909] AC. 488

16. *Bliss v. South East Thames Regional HA* [1987] ICR 700 at 717-8.

هر چند برخی از نویسندگان^{۱۷}، نظریه‌ای را که در پرونده‌ی /ودیس اتخاذ شد تایید کرده‌اند، اما عده‌ای دیگر^{۱۸}، معتقدند که هیچ قاعده‌ی کلی در پرونده‌ی مورد بحث مبنی بر عدم امکان وصول خسارت معنوی و روحی ناشی از نقض قرارداد، وضع و پیش‌بینی نشده است.

قضیه از این قرار بود که خواهان توسط خواندگان به عنوان مدیر بازرگانی در کلکته‌ی هندوستان، با حقوق هفتگی و حق اخذ کمیسیون در معاملات استخدام شده بود. خواندگان، خواهان را با اخطار قبلی هفت‌ماهه اخراج نمودند اما در طی همان مدت شخص دیگری را جانشین وی کردند.

در ارتباط با دستمزد تلف شده‌ی خواهان و هم‌چنین حق‌العمل ناشی از عملیات تجارتي در طی شش ماه مهلت باقی‌مانده، که به عنوان ضرر مالی و اقتصادی مسلم ناشی از نقض قرارداد استخدامی تلقی می‌شد، مجلس اعیان به اتفاق آرا حکم به نفع خواهان صادر نمود. اما، خواسته‌ی خواهان به همین جا ختم نمی‌گردید و وی به دلیل آن که اخطاریه‌ی ترک کار او، ناگهانی، شدیدالحن، ظالمانه، خشن و توهین‌آمیز بود، مدعی دریافت خسارت روحی و روانی نیز بود. مجلس اعیان، با وجود صدور حکم بر خسارت مالی، خسارات روحی و روانی مورد ادعا را غیرقابل جبران اعلام نمود.

به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان^{۱۹}، یک تمایز اساسی میان ضرر ناشی از نقض قرارداد و ضرر ناشی از طریقه‌ی اخراج وجود دارد و بیش‌ترین ابهام تصمیم اتخاذ شده در قضیه‌ی /ودیس به دلیل ناتوانی در تحلیل این تفاوت است.

17. McGregor, H., McGregor on Damages (15ed., 1988), cited in: Enonchong, Nelson, «Breach of Contract and Damages for Mental Distress», Oxford Journal of Legal Studies, 1996, Vol. 16, No. 4 p. 619.

18. Ibid.

19. Ibid.

هر چند عده‌ای^{۲۰} با استناد به تصمیم مجلس اعیان در پرونده‌ی /ودیس، خسارت روحی ناشی از نقض قرارداد استخدامی و اخراج توهین‌آمیز را قابل مطالبه نمی‌دانند، اما برخی دیگر بین خسارت ناشی از نقض قرارداد استخدامی و خسارت ناشی از طریقه‌ی اخراج^{۲۱} (اخراج توهین‌آمیز) تفاوت قایل گردیده‌اند. حتی لرد جانسلر در همان قضیه بیان داشته است که تخلف خواندگان در اخراج خشن و توهین‌آمیز، هر چند توأم با نقض قرارداد بوده ولی مستقل و جدا از نقض قرارداد صورت گرفته است و حتی می‌توانست به طور مستقل و ماورای نقض قرارداد، چنین تخلفی صورت پذیرد. بنابراین بدیهی است که در چنین حالتی، به علت عدم تحقق نقض قرارداد، مطالبه‌ی خسارت روحی ناشی از نقض قرارداد، متصور نبوده است. به عبارت دیگر، پرسش‌های دعوای یاد شده در ارتباط با منشا خسارت و نه نوع خسارت مطرح شده است. تریتل حقوق‌دان انگلیسی نیز معتقد است که دلیل عدم پذیرش خواسته‌ی خواهان در ارتباط با خسارت معنوی، این است که چنین زیان‌هایی ناشی از نقض قرارداد نبوده بلکه ناشی از طریقه‌ی اخراج بوده است.^{۲۲}

برخی محاکم در مقابل دعوای خسارت معنوی و استناد خواندگان به دعوای /ودیس استدلال کرده‌اند که اگر خسارت روحی و معنوی از نقض قرارداد ناشی شده باشد، چنین زیان‌هایی قابل مطالبه است. به عنوان نمونه در دعوای کاکس، خوانده‌ی دعوای به عنوان کارفرما متعهد شده بود تا به کارمند خود (خواهان) یک موقعیت بهتر شغلی بدهد که دقیقاً برعکس آن عمل نموده و رتبه و پایگاه شغلی او را تنزل بخشیده بود و از همین رو دادگاه مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد را تایید نمود.^{۲۳}

20 . Chitty on Contracts, cited in: Enonchong, *op. cit.*, p.621.

21 . Manner of Dismissal.

22 . Treitel, G.H., Law of Contract, 9th ed., 1995, p. 891.

23 . Cox v. Philips Industries Ltd. [1976] ICR 138.

۲- تایید خسارت معنوی در ارتباط با قراردادهای خاص

اهمیت و لزوم توجه به موضوع جبران خسارات روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد، سبب شده است که دادگاه‌ها در توسعه‌ی استثنائات وارد بر نظریه‌ی سستی کامن‌لا مبنی بر عدم پذیرش دعاوی مورد بحث، تمایل بیش‌تری از خود نشان دهند. هر چند تا به امروز هیچ موضع روشن و قاطعی در این خصوص که نقض کدام یک از قراردادهای موجب مسئولیت به جبران ضرر معنوی است، بیان نشده، اما می‌توان با بررسی تصمیمات دادگاه‌ها در بخش‌های متنوعی از قراردادهای، به موارد مشترکی دست یافت.^{۲۴}

۲-۱- خسارت معنوی ناشی از ناراحتی جسمانی

یکی از مواردی که وصول خسارت معنوی تجویز شده، هنگامی است که این‌گونه زیان‌ها ناشی از تحمل ناراحتی فیزیکی و جسمانی باشد. در پرونده‌ی هابس شرکت راه-آهن متعهد گردیده بود خواهان را به مقصد معینی برساند که به علت نقض قرارداد، و نرسیدن قطار به مقصد، خواهان مجبور شد باقی‌مانده‌ی راه را به صورت پیاده رفته و رنج آن را تحمل کند. در پرونده‌ی مذکور دادگاه علاوه بر غرامت مالی (وجه بلیط قطار) به جبران خسارت معنوی نیز حکم صادر نمود.^{۲۵}

۲-۲- دعاوی تعطیلات

از سال ۱۹۷۰، پرونده‌های موسم به دعاوی تعطیلات، از مواردی هستند که نقض قرارداد سبب می‌شود تا متعهد به جبران خسارت معنوی ملزم شود. در چنین مواردی، موضوع قرارداد فراهم کردن خوشی و لذت و آرامش خاطر و منفعت عاطفی و روانی است.

24 . *Hobbs v. London and South Western Railway Co.* [1875] LR 10 QB 111, 112.

25 . *Holmes, op. cit.*, p.2.

به عنوان نمونه یک عکاس مراسم عروسی که نتوانسته بود به تعهد خود مبنی بر عکس برداری از مراسم عمل کند ملزم به جبران زیان معنوی شده^{۲۶}؛ و همین طور هنگامی که ایجاد آرامش تعطیلات از سوی یک آژانس مسافرتی و متعهد قرارداد، به همان نحوی که پیش تر وانمود شده بود محقق نشده بود حکم به جبران خسارت معنوی صادر شد^{۲۷}.

به نظر می رسد در این دعاوی، قضات محاکم یک روش قطعی را در نظر نگرفته اند و ظاهراً از قاعده‌ی بعد و دوری زیان^{۲۸} در رسیدن به نتیجه‌ی منصفانه و عادلانه استفاده نموده اند.

در این که هدف از انعقاد قرارداد فراهم کردن آرامش خاطر و لذت است یا آن که منافع اقتصادی منظور اصلی طرفین است، مرز مشخصی وجود ندارد و محاکم با تفاسیر گوناگون، قراردادها را به دو نوع مزبور تجزیه می کنند، به عنوان مثال در پرونده‌ی *نات*^{۲۹}، معماری در احداث یک پلکان مجلل در طراحی خانه، توفیق نیافت و مرتکب نقض قرارداد گردید، لیکن با وجود ناامیدی و صدمات روحی، صاحب‌بانه موفق به دریافت خسارت روحی و روانی نگردید زیرا موضوع قرارداد طراحی یک خانه با مشخصات معلوم بود و تهیه و تدارک خوشی و لذت به عنوان موضوع اصلی قرارداد مدنظر قرار نگرفته بود.

۲-۳- سایر قراردادهای مرتبط با اوصاف روانی و حیثیت افراد

در مواردی تاجر، می تواند خسارت معنوی‌ای را که ناشی از صدمه به اعتبار تجاری اوست، مطالبه کند. به عنوان مثال در دعاوی مطروحه علیه بانک یورکشایر، خوانده با نقض

26 . *Diesen v. Samson* [1971] SLT (Sh Ct) 49.

27 . *Jarvis v. Swan Tours Ltd.* [1973] 1 All ER71 (CA).

28 . Remoteness Principle.

29 . *Knott v. Bolton* [1995] 11 Construction LJ 375 (CA).

قرارداد خود، چک معتبر صادره از سوی خواهان را رد کرده بود، اما سرآخر ملزم به جبران خسارت معنوی ناشی از کسر حیثیت و شهرت تجاری گردید. همین قاعده هنگامی که عمده فروشی، کالاهای معیوب به فروشنده‌ی خرد تحویل داده بود، اعمال شد. در دعاوی دیگری یک هنرپیشه و نویسنده، موفق شده‌اند خسارت ناشی از زیان تبلیغات نادرست را وصول نمایند که در چنین حالتی، زیان وارده همان از دست دادن شهرت و اعتبار بیش‌تر آنان تلقی گردیده است.^{۳۰}

۴-۲- صرف ناراحتی ناشی از نقض قرارداد

نقض قرارداد در هر حال از اسباب ناراحتی متعهدله در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، هیچ فردی نمی‌تواند ادعا کند که نقض قرارداد، برای او راضی‌کننده و شادی‌آور بوده است. بنابراین صرف‌نظر از انواع و اقسام قراردادهای، در همه‌ی قراردادهای دارای اوصاف تجاری یا قراردادهایی که به هدف خوشی و لذت منعقد می‌شوند، تحقق ناراحتی و تالم و اندوه ناشی از پیمان شکنی، امری مسلم و بدیهی است.

خسارت روحی و معنوی ناشی از نقض قرارداد را نمی‌توان با صرف تالم و ناراحتی یکسان تلقی کرد، زیرا در غیر این صورت، در همه‌ی موارد نقض، طرف قرارداد ملزم به جبران خسارت معنوی خواهد بود، امری که در نظام‌های حقوقی مورد تایید قرار نگرفته است. پس به جاست که مرزی میان تحقق خسارت روحی و روانی و تالم ناشی از نقض قرارداد، طراحی شود.

حقیقتاً حل این مسئله مشکل است، زیرا خسارت روحی و روانی اولاً قابل اندازه‌گیری دقیق نیست و ثانیاً هیچ معیار روشن و قاطعی در این زمینه وجود ندارد.

30 . Treitel, *op. cit.*, p. 893-894.

همان گونه که در قضیه‌ی هابس بیان شد، دادگاه ناراحتی ناشی از پیاده‌روی خواهان را در مسیر باقی‌مانده به مقصد، که به علت نقض قرارداد حمل به مقصد معین صورت گرفته بود، مهم و واقعی و اساسی تلقی کرده و حکم به جبران خسارت معنوی صادر نموده است. این پرونده به عنوان راهنمایی برای سایر دعاوی مورد استفاده قرار گرفته و ناراحتی‌های ناشی از نقض قرارداد را هنگامی که جدی و واقعی ارزیابی شده، مبنای صدور حکم بر خسارت معنوی دانسته‌اند.^{۳۱}

۵-۲- قضیه‌ی فارلی^{۳۲}

بالاخره پس از مدت‌ها انتظار، مجلس اعیان در دعوای فارلی، تصمیم گرفت تا خسارت روانی و روحی ناشی از نقض قرارداد را دیگر بار توضیح و تبیین نماید و نظریه‌ی خود را بر اساس ملاحظات نظم عمومی استوار سازد.

قضیه از این قرار بود که آقای فارلی، ضمن توافق با کارشناسی، از او خواست درخصوص خانه‌ای که قصد خریداری آن را دارد، گزارشی تهیه و ارائه نماید و توضیح دهد که آیا خانه‌ی مذکور تحت تاثیر صدای احاطه شده‌ی هواپیماها قرار می‌گیرد یا خیر؟ نتیجه‌ی گزارش این بود که خانه‌ی مورد نظر از این حیث مطلوب است و بنابراین آقای فارلی ملک مزبور را خریداری نمود، در حالی که ملک یاد شده به طور جدی تحت تاثیر ترافیک هوایی قرار داشت. دعوای مطروحه علیه کارشناس مذکور به خواسته‌ی مطالبه‌ی خسارت از دست دادن لذت و خسارت روحی و روانی نهایتاً مورد تایید مجلس اعیان قرار گرفت.^{۳۳}

31 . Enonchong, *op.cit.*, p. 634-635.

32 . *Farley v. Skinner* [2001] 3 WLR 899 (HL).

33 . Ribeiro, *op. cit.*, p. 21.

براین اساس امروزه نمی‌توان به استناد قاعده‌ی متخذه در پرونده‌ی /ودیس و بدون در نظر گرفتن ماهیت قرارداد، خسارات روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد را نادیده گرفت، بلکه در هر مورد ضرورت دارد دادگاه با بررسی موضوع و هدف اصلی قرارداد و انگیزه‌ی طرفین از انعقاد آن و اوضاع و احوال قضیه نخست ماهیت قرارداد را تبیین و سپس در خصوص قبول یا رد دعوای خسارت معنوی اظهار نظر نماید.

۶-۲- تئوری محدودیت معقول

با توجه به این که قاعده‌ی عدم امکان وصول خسارت معنوی در مسئولیت قراردادی با تهاجم عمده‌ای مواجه شده و آن را به نحو وسیعی، مستهلک ساخته است، لذا تغییرات و تحولات حقوقی در این باره ضروری به نظر می‌رسد. به نظر عده‌ای از حقوق‌دانان^{۳۴}، بایستی میان پذیرش و عدم پذیرش خسارت معنوی در دعوای قراردادهای، یک هارمونی و توازنی برقرار شود و به این جهت ضوابطی را برای ایجاد یک چنین هماهنگی به شرح زیر پیش‌بینی نموده‌اند.

یک) قاعده‌ی عدم توجه به خطاهای جزئی^{۳۵}

براساس این قاعده‌ی کامن‌لایی، قضات مواردی را که جزئی و به شدت کم اهمیت است، مورد حکم و قضاوت قرار نمی‌دهند، حتی اگر تخلف از مقررات و قوانین محسوب شود. در مورد خسارت معنوی جزئی نیز، همین قاعده در برخی دعوای مورد استناد واقع

34 . Enonchong, *op. cit.*, p. 637 et. seq.

35 . *De Minimis Non Cuat Lex* .

شده است. به دیگر سخن، اگر میزان خسارت روحی و ناراحتی ناشی از نقض قرارداد، بی‌اندازه کم و ناچیز باشد، نمی‌تواند مورد مطالبه قرار گیرد.

تقریباً فرض بر این است که خسارات معنوی جزئی هستند، ولی در قراردادهای خاص که به جهت طبیعت ویژه‌شان، تحقق خسارت معنوی نزدیک‌تر به حقیقت است، فرض و قاعده‌ی مزبور اعمال نمی‌شود.^{۳۶}

دو) سببیت (رابطه‌ی علیت)^{۳۷}

به عنوان قاعده‌ی کلی، خواهان باید ثابت کند که خسارت روحی و روانی وی از نقض قرارداد ناشی شده است. به عبارت دیگر باید علت مستقیم ورود خسارت نقض قرارداد باشد.^{۳۸}

سه) قاعده‌ی بعد و دوری زیان^{۳۹}

خسارت وارده به زیان‌دیده بایستی خیلی بعید و دور نباشد. این همان قاعده‌ای است که در دعوای هادلی^{۴۰} بیان شده است؛ زیرا ضرری که پیش‌بینی نمی‌شود، از خطای خواننده دور می‌افتد و ارتباط خود را با آن از دست می‌دهد و غیرقابل جبران تلقی می‌شود.^{۴۱}

36 . Ibid.

37 . Causation.

38 . Ibid.

39 . Remoteness.

40 . *Hadley v. Baxendale*.

41 . Ibid.

چهار) تخفیف خسارت^{۴۲}

وظیفه‌ی تخفیف خسارت و به حداقل رساندن میزان آن محدودیت دیگری در مطالبه‌ی خسارت معنوی به شمار می‌رود. وظیفه‌ی کاهش خسارت در دعوای هی‌وود^{۴۳}، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این قضیه، خواهان با راننده‌ای برای انتقال وی به ایستگاه قطار به مبلغ دو پوند قراردادی منعقد نموده بود، تا بعداً یک تفریح یک روزه را در کنار دریا سپری کند اما، خودرو به واسطه‌ی تسامح راننده خراب شد و خواهان تعطیلات خود را از دست داد. لرد دنینگ در این قضیه اظهار داشت که خواهان، نه تنها برای مطالبه‌ی دو پوند، بلکه برای وصول خسارت معنوی نیز استحقاق دارد، البته به شرطی که اجتناب از خسارت برای او مقدور نباشد.

در پرونده‌ی هابس، استدلال شده است که اگر یک متصدی حمل و نقل، قرارداد را نقض کند، ذینفع می‌تواند وسیله‌ی دیگری را (اگر موجود باشد) کرایه کند و هزینه را به حساب متعهد بگذارد و چنین انتظاری وجود دارد که این کار صورت پذیرد. پس در دعوای قبلی از خواهان انتظار می‌رود تا تاکسی دیگری را کرایه کند و اگر چنین نکند و متحمل خسارت معنوی شود، خسارت قابل جبران نخواهد بود، زیرا وظیفه‌ی کاهش خسارت را انجام نداده است.^{۴۴}

دوم - حقوق آمریکا

در نظام حقوقی آمریکا هدف از جبران خسارت، قرار دادن زیان‌دیده در موقعیت مناسبی است که در صورت اجرای قرارداد در آن شرایط قرار می‌گرفت. در حقوق این

42 . Mitigation.

43 . *Heywood v. Wellers* [1976] 1 QB 446 at 459.

44 . *Hobbes v. London & South Western Railway Co.*

کشور، دعاوی متعددی ملاحظه می‌شود که به موجب آن مطالبه‌ی خسارت روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد پذیرفته شده است.

۱- خسارت معنوی ناشی از آسیب جسمانی

به موجب بخش ۳۵۳ شرح دوم قراردادها^{۴۵}، در دو نوع از دعاوی، مطالبه‌ی خسارت روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد پذیرفته شده است. یک مورد از دعاوی، نقض قراردادی است که سبب خسارت بدنی و به تبع آن خسارت معنوی شود. در دعاوی *سولیان*^{۴۶} خواهان مدعی بود که علاوه بر آسیب جسمانی متحمل زیان روحی و روانی نیز شده است. قضیه از این قرار بود که خوانده‌ی دعوا که جراحی متخصص بود تعهد کرده بود با عمل جراحی، شکل ظاهری بینی خواهان را زیباتر کند، لیکن با اقدام جراح، بینی وی بد ظاهر و دفرمه گردید. در دعاوی یاد شده، دادگاه حکم به پرداخت خسارت معنوی به نفع خواهان صادر نمود.

در یکی از دعاوی مطروحه^{۴۷}، خریدار منزل، به علت عیب ناشی از سیستم سپتیک (فاضلاب) واقع در زیرزمین، به مدت شش ماه دچار تهوع و سردرد شد. دادگاه استیناف ایالت ماساچوست، مقرر نمود که خواهان مستحق دریافت هفت هزار دلار خسارت روحی و پریشانی است و استدلال نمود که دلیل اثباتی خواهان دعوا، علائم جسمی وی می‌باشد.

45 . Restatement (Second) of Contracts § 353(1981).

46 . *Sullivan v. O'connor*, 296 N.E. 2d 183 (Mass. 1973).

47 . *Pizzochero v. Vergados*, Mass Law Weekly, No. 13-049-07, Available at: http://Lawprofessors.typepad.Com/contractsprof-blog/2007/09/Contract__breach.html.

در توجیه این استدلال گفته شده که چون عنصری عینی مانند آسیب جسمانی وجود دارد، تحقق خسارت روحی و روانی در چنین مواردی به واقعیت نزدیک‌تر است.^{۴۸}

در مقابل عده‌ای اظهار داشته‌اند که هیچ دلیل منطقی برای رعایت چنین الزامی در مسئولیت قراردادی نیست و نقض قراردادی که موجب توهین و صدمه‌ی روحی و روانی است، و یا نقض قراردادی که عمدی و توأم با سوءنیت است، موجب مسئولیت جبران خسارت معنوی می‌باشد.^{۴۹}

۲- خسارت معنوی صرف

دسته‌ی دومی از قراردادهای در حقوق آمریکا مورد شناسایی قرار گرفته‌اند که نقض آن‌ها بدون آن که توأم با تحمل آسیب جسمانی باشد، مستوجب جبران خسارت روحی و معنوی است.

در توضیح بند (الف) از بخش ۳۵۳ شرح دوم قراردادهای، اقسام معینی از قراردادهای مورد توجه قرار گرفته‌اند که در آن‌ها وقوع خسارت معنوی، به ویژه محتمل است.

قراردادهای حمل و نقل، قراردادهای اقامت در مسافرخانه و هتل، قرارداد مربوط به حمل و خاکسپاری مردگان و قراردادهای مربوط به ارسال پیام‌های راجع به مردگان و وعده‌ی ازدواج از جمله‌ی این موارد است.^{۵۰}

48 . Basseto Avallone, P.Maria, «The Award of Punitive and Emotional Distress Damages in Breach of Contract», see at: 8 NEW Eng. Int'l & Comp.L. Ann. 253 (2002).

49 . Joseph P. Tomain, ontract Compensation in Nonmarket Transactions, 46 U. Pitt .L. Rew. at 897, cited in: Avallone, *op.cit.*

50 . Knapp, L., & Crystal, Nathan M. & Prince, Harry G., Problems in Contract Law, Aspen Law & Business Pub., New York, 1999, p. 1051.

برای مثال بیوه زنی جهت تشییع جنازه‌ی شوهر متوفای خود و دفن جسد او، چند نفر را اجیر کرد و هم‌چنین قراردادی را برای تهیه‌ی تابوت و مقبره‌ی ضدآب منعقد نمود، لیکن این اشخاص در ساختن مقبره به صورتی که مانع نفوذ آب و گل شود، عاجز مانده و با نقض عهد موجبات تالم خاطر خواهان را فراهم نمودند و لذا دادگاه حکم به وصول جبران خسارت معنوی صادر نمود.^{۵۱}

در یکی از دعاوی مطروحه در دادگاه عالی ماریون (ایالت /یندیانا)^{۵۲}، مطالبه‌ی خسارت روحی و پریشانی احساس ناشی از نقض قرارداد، تایید شده است. در سوم سپتامبر ۱۹۹۳، هولووی و نوه‌ی او برای صرف ناهار به رستوران باب /وانس رفتند و هنگام خوردن غذای مورد سفارش کرم سیاه مایل به زردی به اندازه‌ی کبریت در میان سبزیجات مشاهده نمودند. هولووی رستوران را ترک نمود لیکن دچار تهوع گردید و به مدت دو هفته دچار کابوس و کم‌وزنی شد. وی مدعی شد که شغلش را به دلیل آسیب‌های وارده از دست داده و واقعه‌ی رستوران احساسات او را از لحاظ روانی تحت تاثیر قرار داده است.

دادگاه با قبول رابطه‌ی قراردادی شفاهی میان طرفین، نقض قرارداد را از سوی صاحب رستوران تایید و خواهان را مستحق وصول خسارت روحی تشخیص داد.^{۵۳}

براساس نظریه‌ی سنتی پذیرفته شده در ایالت /یندیانا، خسارت روحی فقط هنگامی قابل مطالبه است که همراه یا ناشی از یک صدمه‌ی جسمانی و فیزیکی باشد و در چنین مواردی است که تحقق خسارت معنوی قابل اثبات است، اما براساس قاعده‌ی اصلاحی، تایید شده است که بدون تحقق آسیب جسمانی، خسارت معنوی صرف، قابل مطالبه است.

51 . *Lamm v. Shingleton*, 55 S.E 2d 810, 812 (N.C. 1949).

52 . *Dorothy J.Holloway v. Bob Evans Farms. Inc* [1998].

53 . See at: <http://www.in.gov/Judiciary/opinions/archive/060802.ewn.html>

در دعوی شامبر^{۵۴}، دادگاه نظریه‌ی سنتی را اصلاح و مقرر نمود که زیان‌دیده‌ی روحی و روانی بدون توجه به این که صدمه‌ی جسمانی متحمل شده یا نه، مستحق دریافت خسارت معنوی است، بنابراین در دعوی هالووی نیز، استدلال خواندگان مبنی بر این که در مطالبه‌ی خسارت جسمانی، خواهان باید وقوع یک آسیب جسمانی را نیز اثبات کند، مورد تایید قرار نگرفت.

در دعوی مطرحه در ایالت تکزاس^{۵۵}، کمپانی تلگراف از تحویل و مخابره‌ی پیام به خواهان که مرگ مادرش را اعلام می‌نمود، خودداری و مرتکب نقض قرارداد شد، و لذا دادگاه مقرر نمود که خسارت روحی وارده به او هر چند با خسارت و آسیب جسمانی همراه نبوده، قابل جبران می‌باشد. برخی حوزه‌های قضایی دیگر در دعاوی مشابه راجع به ارسال پیام و تلگراف، نظر یاد شده را تایید نموده‌اند.^{۵۶}

امروزه اکثر دادگاه‌ها جبران خسارت روحی را هنگامی که رفتار خواننده خودسرانه و نقض وظیفه تلقی می‌شود، پذیرفته‌اند، اما در مواردی که خسارت ناشی از یک غفلت ساده باشد، تمایلی به پذیرش آن از خود نشان نمی‌دهند.

دادگاه‌های کالیفرنیا، جبران خسارت معنوی را بدون تحقق آسیب جسمانی هنگامی که نقض قرارداد عمدی بوده و تعرض معنوی جدی واقع شده باشد، پذیرفته‌اند و تمایل دارند که خسارت معنوی را هنگامی که به وضوح اثبات شده است، مورد حکم قرار دهند. بی‌میلی برخی حوزه‌های قضایی در به رسمیت شناختن خسارت معنوی بدون آسیب جسمانی ریشه در این ترس دارد که جبران خسارت معنوی، صرفاً جبران یک دل‌خوری و آزرده‌گی خاطر تلقی شود.

54 . *Shuamber v. Henderson*, 579 N.E. 2 d 452, 454 (Ind, 1991).

55 . *So Relle v. Western Union Tel. Co.*, 55 Tex. 308 (1881).

56 . *Tebbe, Jr. C. Graham*, «Mental Suffering Arising from Breach of Contract», *California Law Review*, Vol. 49, No. 4 (Oct. 1961), p.759.

اظهار عقیده شده است که دادگاه‌ها بایستی جبران خسارت معنوی را در مواردی که موضوع قرارداد، به ذهن و روان و اندیشه مرتبط است به رسمیت بشناسند.^{۵۷}

به هر رو، در برخی دیگر از دعاوی خسارت معنوی مورد حکم قرار نگرفته است. برای مثال هنگامی که پزشکی با نقض قرارداد، به مدت دو روز با بیمار تحت نظر خود و در شرایطی که مداوای او بی‌نتیجه بوده، تماس نگرفته بود، مطالبه‌ی خسارت معنوی، مورد پذیرش قرار نگرفت.^{۵۸}

هم‌چنین بیان شده که صاحب‌خانه نمی‌تواند از پیمانکاری که متعهد به ریشه‌کن کردن حشرات بوده و نتوانسته آن‌ها را منقرض کند، خسارت معنوی طلب نماید.^{۵۹} در مورد نقض قراردادهای احداث ساختمان، استدلال شده که عموماً منجر به وقوع خسارت معنوی نمی‌شوند، اما در برخی حوزه‌های قضایی وصول خسارت معنوی به واسطه‌ی احداث نامناسب محل اقامت پذیرفته شده است.^{۶۰}

محاکم آلاباما، ضمن تایید امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد، قابلیت پیش‌بینی ضرر را براساس قاعده‌ی بیان شده در دعاوی هادلی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این ایالت، قاعده‌ی کاهش خسارت^{۶۱} در مسئولیت قراردادی مورد توجه قرار گرفته است. به موجب این قاعده زیان‌دیده وظیفه دارد تا حد ممکن خسارات را کاهش داده و از توسعه‌ی آن جلوگیری به عمل آورد، زیرا یک شخص معقول و محتاط، فقط

57 . Ibid.

58 . St. Charles v. Kender 64, N.E. 2d 411 (Mass App. Ct. 1995)

59 . Young v. Abalene Pest Control Services. Inc., 444 A.2d 514 (N.H. 1982)

60 . L. Knapp, op.cit., P. 1052.

61 . Mitigation.

خسارتی را می‌تواند طلب کند هنگام وقوع آن، وظیفه‌ی کاهش زیان را نیز انجام داده است.^{۶۲}

دیوان عالی می‌شیکان در دعوای کوین^{۶۳}، با استناد به قضیه هادلی، مقرر نمود که مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض قراردادهای بازرگانی که هدف آن‌ها تامین نیازهای مالی افراد است، متصور نیست و بنابراین چون قرارداد بیمه‌ی ناتوانی، یک قرارداد بازرگانی است حکم بر رد دعوای خواهان صادر نمود. برخی دیگر از دادگاه‌ها نیز از رای یاد شده تبعیت نموده‌اند.^{۶۴} البته چنان‌چه در مطالب بعدی، ملاحظه خواهیم کرد دادگاه‌های کانادا، نقض قرارداد بیمه‌ی ناتوانی را که همراه با ورود خسارت معنوی به بیمه‌گذار باشد، موجب جبران خسارت معنوی دانسته‌اند.

دادگاه‌های ایالت می‌شیکان، مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض قراردادهای استخدامی و ساختمانی را اغلب، تایید نموده‌اند، مگر آن که ثابت شود این گونه خسارات به هنگام انعقاد قرارداد در اراده‌ی متعاملین قرار گرفته است. البته محاکم این ایالت در موارد دیگری مانند قرارداد تحویل نوزاد خواهان توسط بخش زایمان بیمارستان (در موردی که جنین مرده به دنیا آمده است) و یا قرارداد برای اجرای یک عمل جراحی لوله‌گذاری رحم، یا قرارداد انجام تشریفات خاک سپاری و قرارداد مراقبت و نگهداری از کودک، خسارت معنوی را قابل مطالبه دانسته‌اند.^{۶۵}

62 . Simpson, W.Scott & Others, «The Source of Alabama's Abundance of Arbitration Cases: Alabama's Bizarre Law of Damages for Mental Anguish», American Journal of Trial Advocacy, Vol. 28, 2004, pp. 164-168.

63 . *Kewin v. Massachusetts Mut Life Ins Co.* (1980)

64 . Stockmeyer, N.O., «Damages for Breach of Contract: Measurement and Limitations», Michigan Bar Journal, October 2003, Available at: [http:// www.Michbar.org / e-journal/ bar_journal / stockmeyer_web.htm](http://www.Michbar.org / e-journal/ bar_journal / stockmeyer_web.htm).

65 . *Ibid.*

علت این که به باور برخی در ایالات متحده (و نیز کانادا و انگلستان) وصول خسارت معنوی به عنوان قاعده‌ی کلی تایید نشده، این است که اولاً قابل پیش‌بینی نیست و ثانیاً در هر قراردادی، به جهت نقض آن، ناراحتی و غمگینی روی می‌دهد و بنابراین مشکل است که در همه‌ی موارد حکم به جبران آن داد.

یکی از مواردی که وصول خسارت معنوی مورد تایید قرار گرفته، مربوط به شیوه‌ی نقض^{۶۶} قرارداد است. وقتی عملکرد طرف قرارداد به هنگام نقض قرارداد، ظالمانه و قابل سرزنش باشد، خسارت معنوی باید جبران شود.

مورد دیگری که به آن اشاره شده و خسارت معنوی قابل جبران تلقی گردیده مربوط به حقیقت نقض^{۶۷} است. در محاکم آمریکا (و کانادا) نظری وجود دارد که به موجب آن، نقض برخی از قراردادها که ماهیت شخصی داشته و تامین‌کننده‌ی منافع روحی و لذت است، موجب جبران ضرر معنوی است. همچنین اگر ورود خسارت معنوی قابل پیش‌بینی باشد، بایستی جبران شود. برخی حقوق‌دانان^{۶۸}، قاعده‌ی کلی عدم امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد را مورد انتقاد قرار داده و بیان داشته‌اند که جمع‌بندی استثنائات ناممکن است و بهترین شیوه آن است که همه‌ی قراردادها در یک موقعیت برابر مورد توجه قرار گیرند و براساس همان قاعده‌ی قابلیت پیش‌بینی ضرر، امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی در هنگام نقض قرارداد به عنوان یک اصل (و نه استثنا) مطرح شود؛ زیرا طبق اصول کلی حقوقی، طرف قرارداد، مسئول جبران تمامی زیان‌های قابل پیش‌بینی است که از نقض قرارداد حاصل شده است.^{۶۹}

66 . Manner of Breach.

67 . Fact of Breach.

68 . Cohen, Ronnie & O'Byrne, Shannon, «Cry Me a River: Recovery of Mental Distress Damages in a Breach of Contract Action», A North American Perspective, American Business Law Journal, Vol. 42, 2005, p.100 et. Seg.

69 . Ibid.

در ایالت لویزیانا^{۷۰}، مطالبه‌ی خسارت معنوی از سهولت بیش‌تری برخوردار است، زیرا مطالبه‌ی خسارت واقعی و قانونی، مجاز تلقی شده است. در این ایالت تمایل به تجویز مطالبه‌ی خسارت معنوی بدون تحقق خسارت جسمانی از سال ۱۹۷۶ آغاز شده است.^{۷۱}

براساس ماده‌ی ۱۹۹۸ قانون مدنی لویزیانا که از اول ژانویه‌ی سال ۱۹۸۵ لازم‌الاجرا گردیده^{۷۲}، مقرر شده است که اگر قرارداد به دلیل ماهیت خود، اعطای منافع غیرمالی را در برداشته باشد، و از اوضاع و احوال حاکم بر انعقاد قرارداد یا اوضاع و احوال حاکم بر عدم اجرای قرارداد، استنباط شود که متعهد می‌دانسته و یا حداقل باید می‌دانست که عجز او از اجرای قرارداد می‌تواند به ورود خسارت معنوی بیانجامد، خسارت معنوی قابل جبران است و هم‌چنین بدون توجه به ماهیت قرارداد (از این نکته‌نظر که دارای امتیازات غیرمالی است) اگر متعهد، عمداً قرارداد را نقض نماید و متعهدله را غمگین و آزرده خاطر سازد، بایستی خسارت وارده را جبران نماید.

۳- اعمال قاعده‌ی پیش‌بینی‌پذیری

همان‌گونه که در نظام کامن‌لا مطرح گردیده، قابلیت پیش‌بینی ضرر در تحقق مسئولیت قراردادی شرط است و دعوای مورد استناد محاکم در کشورهای مبتنی بر نظام کامن‌لا، پرونده‌ی هادلی می‌باشد.

۷۰. ایالت لویزیانا قبلاً تحت مالکیت فرانسه قرار داشت و در سال ۱۸۰۳ میلادی، به مبلغ هشتاد میلیون فرانک به آمریکا واگذار شد. حقوق این ایالت به ویژه قانون مدنی آن، تحت تاثیر و نفوذ سیستم حقوق فرانسه تدوین گردیده است.

71. Meador v. Toyota of Jefferson, Inc. 332 So. 2d 433 (La. 1976), cited in: Scheme Bruce V. & Hale, Debra J., «Obligations», Louisiana Law Review, Vol. 53, 1993, p. 920.

72. <http://www.Legis.state.la.us/lss/lss.asp?doc=109252>.

دادگاه‌های آمریکا در مواجهه با دعاوی خسارت معنوی ناشی از قرارداد، قابلیت پیش‌بینی ضرر را به عنوان معیار اصلی مسئولیت مدنظر قرار داده‌اند.

در پرونده‌ی مطروحه در دیوان‌عالی/اوکلاهاما^{۷۳}، این قاعده مورد توجه قرار گرفته است. جریان دعوا از این قرار بود که خواهان طی قراردادی با خواننده، لباس عروسی مورد نظر خود را خریداری نموده و مقرر شده بود تا در زمان معینی که روز ازدواج خواهان به شمار می‌رفت، لباس مورد معامله، تحویل داده شود. خواهان در موعد مقرر به تعهد خود عمل ننمود و خواننده ناچار گردید با لباس دیگری در مراسم ازدواج در کلیسا شرکت نماید و از سوی دیگر به جهت برنامه‌ریزی مسافرت و ماه عسل، و دعوت قبلی مهمانان، امکان به تعویق انداختن مراسم عروسی نیز وجود نداشت.

خواهان مدعی شد که نقض قرارداد از سوی خواننده، عروسی او را تباه کرده و موجب تحقیر و شرم‌ساری و ناراحتی روحی و روانی فراوان وی شده است. در ابتدا دادگاه پس از اعلام نظر هیئت منصفه به نفع خواهان حکم صادر نمود، اما در بررسی مجدد، دیوان‌عالی/اوکلاهاما، مقرر نمود که خسارت معنوی یاد شده در صورت فقدان هر گونه آسیب جسمانی قابل وصول نمی‌باشد. قاضی دیوان‌عالی چنین استدلال کرد که خواننده، بایستی از قصد استفاده‌ی ویژه‌ی لباس عروسی در زمان معین آگاهی داشته باشد تا مسئول قلمداد شود و نتایج ناشی از نقض قرارداد برابر ملاک و سنجشی که در دعاوی هادلی مطرح شده، بایستی در اراده‌ی طرفین قابل گنجایش باشد.^{۷۴}

در برخی از حوزه‌های قضایی، اگر وقایع دعوا به گونه‌ای باشد که احتمال پیش‌بینی ضرر معنوی در اراده‌ی طرفین قرارداد جای گرفته باشد، مطالبه‌ی خسارت معنوی بدون تحمل آسیب جسمانی در قراردادهای غیر بازرگانی و شخصی مورد تایید قرار گرفته است.

73. *Seidenbach's Inc. v. Williams, Okla.*, 361 p. 2d 185 (1961).

74. *Tebbe, op.cit.*, pp. 758-762.

هنگامی که یک قرارداد، ارتباطی به تجارت و بازرگانی ندارد و قصد سودجویی و ازدیاد مال و ثروت نیست، بلکه با زندگی انسان یا موضوع ذهنی و روانی مرتبط است، ضرورتاً نقض چنین قراردادی منتج به صدمات معنوی می‌شود و بعید است که چنین امری خارج از اراده‌ی طرفین قرارداد تلقی شود.^{۷۵}

سوم - حقوق کانادا

در برخی از دعاوی مطروحه در دادگاه‌های کانادا، جبران خسارت معنوی ناشی از نقض تعهدات قراردادی پذیرفته شده است.

در دعوی فیدلر علیه شرکت بیمه‌ی سان لایف^{۷۶} دیوان عالی کانادا حکم صادره مبنی بر لزوم جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قراردادی که تامین‌کننده‌ی منافع روحی و روانی (نظیر آسودگی خاطر)^{۷۷} بوده را مورد تایید قرار داده است. به موجب این تصمیم، وجود یک خطای مدنی (شبه جرم) مستقل از نقض قرارداد برای جبران خسارت معنوی، ضرورت ندارد و اصول کلی جبران خسارت قراردادی ایجاب می‌کند که وضعیت طرفین را به نحوی ترمیم نماید و آن‌ها را در موقعیتی قرار دهد که هنگام عقد قرارداد مدنظر داشته‌اند، اعم از این که خسارت تحت پوشش از نوع مادی و قابل لمس یا از نوع غیرمادی (خسارت معنوی) باشد. بر این اساس چنین استدلال شد که اگر در تفکر معقول طرفین قرارداد، خسارت ناشی از نقض قرارداد، از نوع معنوی در نظر گرفته شود، قابل مطالبه می‌باشد.

75 . Ibid.

76 . Fidler v. Sun Life Assurance Co. of Canada, [2006] 2 S.C.R.3, 2006 SCC 30.

77 . Peace of Mind.

جریان دعوا از این قرار بود که خواهان (خانم فیدلر) به واسطه‌ی عفونت حاد کلیوی و شدت یافتن بیماری، تحت پوشش بیمه‌نامه‌ی گروهی که با شرکت سان لایف منعقد شده بود، قرار گرفته و از مزایای بیمه‌ی ناتوانی بلند مدت بهره‌مند بود.

خواننده‌ی دعوا (شرکت بیمه‌ی مذکور) پرداخت مزایای خانم فیدلر را به لحاظ ناتوانی طولانی مدت وی از ژانویه‌ی ۱۹۹۱ آغاز نمود و اعطای این امتیازات مالی را تا چند سال دیگر ادامه داد. در تابستان سال ۱۹۹۶، شرکت بیمه، توسط یک مأمور خصوصی از زندگی شخصی خانم فیدلر فیلمبرداری نمود که نشان می‌داد وی قادر است برخی از کارهای روزمره‌ی خود را مانند رانندگی، خرید شبانه و پیاده و سوار شدن وسیله‌ی نقلیه و پیاده‌روی با مسافت کوتاه را انجام دهد. با توجه به این که در پرسش‌نامه‌ی بیمه‌ی گروهی، خانم فیدلر اظهار داشته بود که این قبیل کارها را به ندرت انجام می‌دهد، شرکت بیمه با وجود این که پزشکان، ناتوانی کلی وی را تایید کرده بودند، بدون اطلاع قبلی، امتیازات مالی او را قطع نمود.

در دادرسی بدوی معادل بیست هزار دلار خسارت معنوی به نفع خواهان مورد حکم قرار گرفت، لیکن دادگاه تشخیص داد که خواننده در اقدام خود، سوءنیت نداشته و بنابراین از صدور حکم به خسارت تنبیهی^{۷۸} خودداری نمود.

دادگاه در صدور حکم به خسارت معنوی، نقض قراردادی را که تامین‌کننده‌ی منافع روانی است، کافی تشخیص داد و اثبات رفتار دیگری برای طرح دعوا را لازم تلقی ننمود. همین قاعده در قضیه‌ی *وارینگتون* قبلاً مورد تایید قرار گرفته بود.^{۷۹}

۷۸. خسارت تنبیهی خسارتی است که دارای ماهیت ترمیمی نبوده و برای تنبیه و جلوگیری از اقدامات ناشایست مرتکب از قبیل ایراد خسارت توأم با سوءنیت یا نقض عمدی قرارداد، مورد حکم قرار می‌گیرد و جایگاه اصلی آن در نظام حقوقی کامن‌لا است.

79. *Warrington v. Great-west Life Assurance Co.* (1996), 139 D.L.R. (4th)18

دادگاه استیناف، استدلال دادگاه بدوی را در این که خواننده سوءنیت نداشته، مردود اعلام و خواننده را به پرداخت معادل یکصد هزار دلار دیگر به عنوان خسارت تنبیهی محکوم نمود.

در ادامه‌ی رسیدگی، دیوان عالی کانادا، موضوع خسارت و صدمات روحی ناشی از نقض قرارداد را مورد مذاقه و بررسی قرار داد و به طور کلی نتیجه گرفت که خسارت معنوی در چنین مواردی قابل جبران است. البته دیوان مقرر نمود که خسارات روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد در تمامی موارد قابل مطالبه نمی‌باشد و بیان داشت که در قراردادهای عادی تجاری و بازرگانی، احتمال این که نقض قرارداد سبب آسیب روحی و روانی شود، معمولاً در اراده‌ی معقول طرفین قرارداد نمی‌گنجد و حقوق، خسارات ناشی از ناکامی‌های اتفاقی را تایید نمی‌کند.

دیوان عالی چنین مقرر نمود که در صدور حکم به خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد، دو امر بایستی مورد نظر دادگاه صادر کننده‌ی حکم قرار گیرد:

۱- بایستی بررسی شود که آیا هدف از انعقاد قرارداد تامین منافع روحی و روانی است یا نه و این که وقوع خسارت معنوی به هنگام نقض قرارداد در قلمرو اراده‌ی معقول طرفین قرار داشته است یا خیر.

۲- میزان و درجه‌ی خسارت روحی ناشی از نقض قرارداد به آن اندازه که مجوزی برای پرداخت غرامت باشد، هست یا خیر. براساس نظر دیوان، در پاسخ به این پرسش‌ها، عوامل مشخصه در هر دعوا بایستی جداگانه بررسی شود و نتیجه‌ی نقض قرارداد به صورت معقول در اراده‌ی طرفین قرارداد، جای گیرد و برای مطالبه‌ی خسارت نیازی نیست که این موارد جنبه‌ی اساسی و غالب قرارداد باشد. نکته‌ی جالبی که در استدلال دیوان عالی بیان شده این است که موارد مذکور نباید به عنوان استثنایی نسبت به قاعده‌ی کلی عدم قابلیت وصول خسارت معنوی در قراردادهای تلقی شود، بلکه به عنوان اجرای یک اصل معقول قابل پیش‌بینی در نظر گرفته می‌شود.

خسارات قابل جبران، بدین منظور طراحی شده‌اند که وضعیت طرفین قرارداد را به حالتی اعاده نمایند که هنگام انعقاد عقد داشته‌اند، خواه این گونه خسارات مادی باشند یا غیر مادی.

درخصوص ماهیت قرارداد بیمه‌ی ناتوانی، دیوان‌عالی کانادا چنین نتیجه گرفت که قرارداد مذکور صرفاً تجاری تلقی نمی‌شود بلکه قراردادی است که هم دارای امتیازات مالی و اقتصادی است و هم واجد منافع روحی و روانی مانند علم به تضمین درآمد و عایدات در موقع ناتوانی. با این حال، دیوان ضمن تایید حکم بر پرداخت خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد، پرداخت خسارات اضافی تنبیهی را تایید نکرد.^{۸۰}

محاکم کانادا، در راستای احراز خسارت معنوی به قاعده‌ی کلی مطرح شده در قضیه‌ی *هادل‌لی* استناد نموده و قابلیت پیش‌بینی ضرر را مورد توجه قرار می‌دهند.^{۸۱}

در ماده‌ی ۱۴۵۸ قانون مدنی ایالت کبک^{۸۲} کانادا، وصول خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد صریحاً تایید و مقرر گردیده است که هر شخص وظیفه دارد که تعهدات قراردادی خود را اجرا نماید و چنانچه از انجام آن خودداری کند، مسئول جبران هرگونه صدمه و خسارت مالی^{۸۳} و جانی^{۸۴} و معنوی^{۸۵} که به طرف دیگر قرارداد وارد نموده، می‌باشد.

80 . See at: <http://www.scc.lexum-umontreal.ca>.

81 . Cohen & O'Byrne, *op.cit.*, p.110.

۸۲ ایالت فرانسوی زبان کبک سابقاً مستعمره‌ی فرانسه بوده و قانون مدنی کبک نیز تحت تاثیر و نفوذ مستقیم خانواده‌ی مدنی فرانسه وضع گردیده است.

83 . Material Injury.

84 . Bodily Injury.

85 . Moral Injury.

۵- خسارت معنوی قراردادی در نظام حقوق رومی - ژرمنی

در کشورهای با نظام حقوق نوشته موضوع خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد مورد توجه قرار گرفته و در مجموع، مطالبه‌ی چنین خسارتی همان‌گونه که در مسئولیت قهری مورد تایید قرار گرفته، به همان کیفیت در مسئولیت قراردادی نیز پذیرفته شده است.

اول - حقوق فرانسه

در فرانسه قابلیت مطالبه‌ی خسارت معنوی به طور کلی و امکان وصول آن در مسئولیت قراردادی به طور خاص مورد مناقشه‌ی حقوق‌دانان این کشور قرار گرفته است. براساس حقوق قدیم فرانسه، برخی حقوق‌دانان، مطالبه‌ی خسارت معنوی را در قراردادها مجاز تلقی نمی‌کردند اما امروزه اکثر حقوق‌دانان، مطالبه‌ی خسارت روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد را تایید نموده‌اند.^{۸۶}

سابقاً رویه‌ی قضایی فرانسه، خسارت را اغلب مالی تلقی می‌کرد اما در حال حاضر رویه‌ی جا افتاده‌ای وجود دارد که خسارت معنوی را که شامل حوزه‌ی وسیعی از زیان‌ها است، تایید می‌کند.

امروزه اعتقاد براین است که ماده‌ی ۱۱۴۹ قانون مدنی فرانسه در بیان حکم کلی جبران خسارت بوده و نظر به محدود ساختن آن به خسارت مالی نداشته است.^{۸۷} به عبارتی ماده‌ی مرقوم امروز تفسیر موسع می‌شود و خسارت معنوی را نیز در بر می‌گیرد.^{۸۸}

۸۶. مازو، جلد اول، شماره‌ی ۳۲۹ و ۳۳۴ به نقل از: السنهوری، عبدالرزاق، احمد، الوسیط، فی شرح القانون المدنی، جلد اول، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۵۸، ص. ۶۸۲.

87. Christie, R.H., Non-Pecuniary Loss in Commercial Contracts, University of Capetown, Department of Private Law, p.17-8.

88. Ginot, Elodie, La responsabilité contractuelle, Master Partiques Juridiques et Judiciaries Promotion, Nîmes, 2007.

محاکم این کشور، هنگامی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد را مورد حکم قرار می‌دهند که متقاعد شوند که برای خواننده‌ی دعوا (وارد کننده‌ی زیان معنوی) هنگام انعقاد قرارداد، وقوع خسارت معنوی قابل پیش‌بینی بوده است.^{۸۹}

دعاوی متعددی وجود دارد که به موجب آن حکم به پرداخت خسارت معنوی قراردادی صادر شده است که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱- زیان‌های روحی و روانی که از عدم ظهور عکس‌های خانوادگی ناشی شده است.^{۹۰}

۲- خسارت کسر شهرت و اعتبار یک هنرمند که به واسطه ناتوانی یک موسسه‌ی متأثر در درج نام وی در بروشور با سبب معینی حاصل شده است.^{۹۱}

۳- خسارت روحی و روانی وارده به خویشاوندان متوفی که ناشی از نقض قرارداد کفن و دفن بوده است.^{۹۲}

۴- ناراحتی روحی و روانی ناشی از مرگ یک اسب که در اثر نقض قرارداد حاصل شده است.

۵- صدماتی که از بدریخت شدن شخص و از نقض قرارداد معالجاتی و پزشکی به وقوع پیوسته است.^{۹۳}

باید متذکر شد که حقوق فرانسه در این مورد بسیار بخشنده است و دلیل این که در مسئولیت قراردادی، مطالبه‌ی خسارت معنوی را تایید نموده آن است که چنین خساراتی را

89 . *Institut Rockfelson v. Lauer*, D 1949 57, cited in: Enonchong, *op.cit.*, p.638.

90 . Paris 2.12.1897, D. 1898.2.465, see at: Nicholas, Barry, *The French Law of Contract*, 2d ed., Clarendon Pub., 1992, USA, p. 227.

91 . Trib. Com. Seine 20.2.1932, Gaz. Pal. 1932.1.895, see at: *Ibid.*

92 . Trib. Seine 20.12.1932, S.1933.2.44, *Ibid.*

93 . Christie, *op. cit.*, p. 18.

بدون محدودیت در مسئولیت قهری پذیرفته و از طرفی یک تشابه قابل ملاحظه‌ای از این جهت میان دو نوع مسئولیت قهری و قراردادی وجود دارد.^{۹۴}

با آن که مطابق برخی نظریات^{۹۵} قابلیت جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد در حقوق فرانسه، مطابق قاعده و اصل در نظر گرفته شده و در نظام کامن‌لا، جزو موارد استثنایی تلقی می‌شود اما با مطالعه‌ی آرای حاکم و نظریات علمای حقوق در هر دو نظام حقوقی، نقض این ادعا آشکار می‌شود؛ زیرا تشابه آن دسته از دعاوی که در هر دو سیستم حقوقی، منجر به تایید مطالبه‌ی خسارت معنوی شده است، نشان‌گر هماهنگی و تشابه کامل بوده و نمی‌توان ادعا نمود که در نظام کامن‌لا، اصل، عدم امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی است. برخی از حقوق‌دانان^{۹۶} نیز همین نکته نظر را تایید نموده‌اند.

دوم - حقوق آلمان

به موجب بند ۲ ماده‌ی ۲۵۳ قانون مدنی این کشور که جای‌گزین بند ۱ ماده‌ی ۸۴۷ گردیده، مطالبه‌ی خسارت معنوی قابل جبران تلقی و امکان ارزیابی آن به پول تایید شده است. حکم مزبور که نسخه‌ی اصلاح شده‌ی ماده‌ی ۸۴۷ قانون مدنی آلمان است، حق مطالبه‌ی خسارت معنوی را به دعاوی قراردادهای توسعه داده است.^{۹۷} محاکم این کشور در تعدادی از دعاوی راجع به قراردادهای مطالبه‌ی چنین خسارتی را مورد حکم قرار داده‌اند.

خسارت معنوی ناشی از خسارت جسمی، خسارت معنوی ناشی از یک مسافرت آزاردهنده با یک تور مسافرتی، خسارت روحی ناشی از تبعیض جنسیتی در قراردادهای

94 . Nicholas, *op.cit.*, p.227.

95 . Handford, *op.cit.*, p.849.

96 . Cohen, *op.cit.*, p. 101.

97 . Markesinis, Sir Basil, & Others, *The German Law of Contract.*, 2ed., Hart Pub., 2006, p. 481-884.

استخدامی و بالاخره خسارت روحی و روانی ناشی از بدریخت شدن چهره از جمله مواردی است که مطالبه‌ی آن تجویز شده است.^{۹۸} هم‌چنین بند ششم از ماده‌ی ۶۵۱ قانون مدنی در خصوص قرارداد بسته‌ی مسافرتی، مطالبه‌ی خسارت معنوی را تایید نموده است.^{۹۹}

سوم - حقوق مصر و کشورهای عربی

در حقوق مصر، مطالبه‌ی خسارت معنوی در موارد خاصی از قراردادها تایید شده است؛ برای مثال در مورد قرارداد نشر کتاب که ناشر با حذف بخشی از اجزای کتاب نقض عهد نموده و یا قرارداد حمل و نقل به وسیله‌ی قطار که متصدی حمل، مسافر را به موقع به مقصد نرسانده و وی از شرکت در مراسم خاک سپاری عزیزش محروم گردیده، خسارت معنوی مورد حکم قرار گرفته است.

به موجب شق ۱ از ماده‌ی ۲۲۲ قانون مدنی مصر، خسارت، ضرر معنوی را نیز شامل می‌شود و این حکم شامل هر دو نوع مسئولیت قهری و قراردادی می‌باشد. مورد دیگری که حکم به خسارت معنوی مورد پذیرش قرار گرفته، هنگامی است که نقض قرارداد عمدی و توأم با سوءنیت بوده است و در چنین مواردی، خسارت به ضرری که حتی غیرقابل پیش‌بینی بوده، توسعه و تعمیم یافته است.^{۱۰۰}

98. Christie, *op.cit*, p.22-23.

102. Iando, Ole & Beale, Hugh, Principles of European Contract Law., Kluwer pub., 2000, Hauge, p.438.

۱۰۰. السنهوری، پیشین، صص. ۶۸۲ و ۶۸۳؛ به موجب ماده‌ی ۱۲۲۵ قانون مدنی ایتالیا، اگر عدم اجرا یا تاخیر در اجرای تعهد ناشی از تقصیر عمدی مدیون نباشد، جبران خسارت محدود به زیانی می‌گردد که در هنگام ایجاد تعهد قابل پیش‌بینی بوده است. بنابر مفهوم مخالف این ماده، در صورت نقض عمدی، خسارات غیرقابل پیش‌بینی نیز قابل جبران است. رک. غمامی، مجید، **قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی**، تهران، نشر انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص. ۲۵.

همین وضعیت در مقررات قانونی دیگر کشورهای عربی مانند ماده‌ی ۲۲۳ قانون مدنی سوریه، ماده‌ی ۲۰۵ قانون مدنی عراق، ماده‌ی ۲۲۵ قانون مدنی لیبی، ماده‌ی ۲۱۷ قانون تجارت کویت، ماده‌ی ۲۰۳ قانون مدنی سودان و ماده‌ی ۲۶۳ قانون تعهدات و عقود لبنان ملاحظه می‌شود؛ در تمامی این مقررات، خسارت در مسئولیت قهری و قراردادی به نحو عام تفسیر گردیده و خسارت معنوی را نیز در بر گرفته است.^{۱۰۱}

چهارم - سایر کشورها

در حقوق برزیل، دوگانگی نظام مسئولیت قراردادی و قهری مورد انتقاد قرار گرفته است. بخش عمده‌ی قانون مدنی این کشور متأثر از قانون مدنی فرانسه است. در برزیل، اعتقاد بر این است که در ماهیت امر، خسارت معنوی هر دو جنبه‌ی جبران غرامت و تنبیهی را داراست و حقوق‌دانان این کشور، مطالبه‌ی خسارت روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد را مورد تایید قرار داده‌اند، ولی رویه‌ی قضایی در این خصوص احتیاط بیش‌تری به خرج داده است.

در رویه‌ی قضایی این کشور، خودداری عکاس از تهیه‌ی عکس عروسی، بدریخت شدن شخص متعاقب عمل جراحی پلاستیک^{۱۰۲}، مدیریت نامناسب مراسم خاک سپاری، تخریب فیلم و غیرممکن ساختن ظهور عکس‌های مراسم عروسی توسط عکاس، نقض قرارداد حمل و نقل و نقض قرارداد حمل بار به واسطه‌ی جابه‌جایی اشتباه توشه‌ی مسافر از جمله مواردی است که در آن‌ها دریافت خسارت معنوی مورد تایید قرار گرفته است.^{۱۰۳}

۱۰۱. فرج الصده، عبدالمنعم، نظریه‌ی العقد فی قوانین البلاد العربیه، نشر دارالنهضة العربیه، ۱۹۷۴، ص. ۵۱۷.

۱۰۲. در حقوق برزیل، تعهد جراح پلاستیک را که متعهد به زیباتر نمودن چهره‌ی بیمار شده، از مصادیق تعهد به نتیجه دانسته‌اند.

103. Avallone, *op.cit.*

هم‌چنین در موردی که بانک به اشتباه نام مشتری را به اداری اعتبار جهت درج در فهرست سیاه فرستاده و باعث کسر حیثیت وی گردیده دریافت خسارت معنوی، تایید شده است.^{۱۰۴}

در حقوق هلند، رویه‌ی قضایی این کشور، یک آژانس مسافرتی را که از تدارک یک تور تعطیلات مناسب عاجز مانده و موجب ناخشنودی مسافر گردیده بود، به پرداخت خسارت معنوی محکوم شده‌است.^{۱۰۵} در حقوق هلند و نیز دانمارک، قواعد خسارت معنوی راجع به مسئولیت قهری به مسئولیت قراردادی نیز توسعه و تعمیم یافته است.^{۱۰۶}

برعکس در حقوق ایتالیا، به موجب ماده‌ی ۲۰۵۹ قانون مدنی، مطالبه‌ی خسارت معنوی فقط در دعاوی مسئولیت قهری تجویز شده است نه در مسئولیت قراردادی.^{۱۰۷}

در اسپانیا، دیوان‌عالی این کشور، خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد را در مواردی تایید و استدلال کرده است که بایستی در هر دعوا، شرایط و اوصافی که به موجب آن پریشانی روحی و روانی عارض شده، مورد بررسی قرار گیرد.^{۱۰۸}

در حقوق سوئیس، دعاوی خسارت معنوی در قراردادها به مدت طولانی مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت اما امروزه به طور گسترده‌ای تایید شده است، مثلاً در مورد قراردادهای منعقد با رستوران یا حمل و نقل مطالبه‌ی چنین خسارتی تجویز شده است. قواعد مربوط به جبران خسارت اعم از زیانهای اقتصادی، مالی، جسمی و معنوی که ناشی

104 . *Ibid.*

105 . Busch, Danny & Others, *The Principles of European Contract Law and Dutch Law*, Kluwer Pub., 2002, p.401.

106 . Available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/peclcomp74.html#cnpc>.

107 . *Ibid.*

108 . Feliu, Josep Sole, *Non-Pecuniary Losses for Breach of Contract*, 2009, cited Available at: <http://www.indret.com>.

از اعمال خلاف قانون است (مسئولیت قهری) در مواد ۴۱ به بعد قانون تعهدات سویس بیان شده است. در ماده‌ی ۴۹ همین قانون نیز لزوم جبران خسارت معنوی در مسئولیت مدنی قهری به رسمیت شناخته شده است.

با توجه به بند ۳ ماده‌ی ۹۹ قانون تعهدات این کشور که مقرر داشته است: «مقررات مربوط به مسئولیت ناشی از عمل نامشروع، بنابر قیاس، در مورد آثار تقصیر قراردادی قابل اجرا خواهد بود»^{۱۰۹}، قواعد مربوط به مطالبه‌ی خسارت معنوی در قرارداد نیز حاکم است و میان دو نوع مسئولیت از این نکته نظر، هماهنگی وجود دارد.

۶- خسارت معنوی ناشی از نقض قراردادهای بین‌المللی

در قراردادهای بین‌المللی که بر پایه‌ی اقتصادی و مالی منعقد می‌شوند، امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی ممکن است مورد مناقشه قرار گیرد و چنین استدلال شود که در قراردادهای تجاری بین‌المللی، اصولاً مطالبه‌ی خسارت روحی و روانی، فاقد موضوعیت است.

اما با نگاهی دقیق‌تر به برخی از قراردادهای بین‌المللی، مشخص می‌شود که امکان وقوع خسارت معنوی در آن‌ها نیز متصور است؛ مانند قراردادهایی که هنرمندان و ورزشکاران منعقد می‌سازند و یا طرف قرارداد، یک شخصیت حقوقی بازرگانی است و نقض قرارداد به حیثیت و اعتبار این شخصیت حقوقی، لطمه وارد می‌سازد. براساس همین ملاحظات است که در برخی از اسناد بین‌المللی، صریحاً به امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد اشاره و تاکید شده است. در میان اسناد بین‌المللی راجع به قراردادها،

۱۰۹. برای مطالعه در این خصوص رک. قانون تعهدات سویس، ترجمه‌ی جواد واحدی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.

می‌توان به سه مورد مهم یعنی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰ وین)^{۱۱۰}، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی^{۱۱۱} و اصول حقوق قراردادهای اروپا^{۱۱۲} اشاره نمود.

اول - کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG)

در این کنوانسیون به امکان مطالبه‌ی خسارت روحی و روانی ناشی از نقض قرارداد اشاره‌ای نشده است. ماده‌ی ۷۴ کنوانسیون، بدون این که تعریفی از خسارت ارایه دهد، آن را شامل مبلغی دانسته است که معادل زیان وارده است و عدم‌النفع را نیز در بر می‌گیرد^{۱۱۳}. در ماده‌ی ۵ کنوانسیون، اشاره شده است که مسئولیت ناشی از مرگ یا صدمات شخصی ناشی از کالا، مشمول کنوانسیون نمی‌باشد.

بنابراین همیشه این پرسش مطرح بوده است که آیا در قراردادهای بیع بین‌المللی، که موضوع اصلی کنوانسیون است، امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی وجود دارد یا خیر؟ با توجه به این که خسارت معنوی ممکن است ناشی از صدمات شخصی باشد، می‌توان گفت به استناد ماده‌ی ۵ کنوانسیون، امکان مطالبه‌ی خسارت روحی در چنین شرایطی مهیا نمی‌باشد. هنگامی که خسارت روحی مستقل بوده و از صدمات بدنی تبعیت نمی‌کند، مانند پریشانی روحی ناشی از عدم تحویل کالا یا کاهش لذت استفاده از کالا به علت عیب آن، چنین مواردی می‌تواند بازهم به عنوان صدمات شخصی در نظر گرفته شود. در قراردادهای بین‌المللی، حیثیت تجاری می‌تواند موضوعیت یابد و وصول این گونه خسارت نمی‌تواند به راحتی انکار شود. به عقیده‌ی برخی از حقوق‌دانان، دلیلی برای رد

110 . United Nations Convention on Contracts for the International sale of Goods (CISG-1980).

111 . Unidroit Principles of International Commercial Contracts (UPICC-2004).

112 . The Principles of European Contract Law (PECL-1999).

113 . Available at: <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/treaty.html>.

چنین خساراتی وجود ندارد و تعدادی از دعاوی (مانند رای دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۱۱۴}) وجود دارد که به موجب آن، وصول خسارت روحی براساس کنوانسیون مزبور مورد تایید قرار گرفته است.^{۱۱۵}

هم‌چنین بیان شده است که اگر هدف از معامله کاملاً غیرمالی باشد و طرفین از چنین هدفی آگاه باشند، نقض قرارداد، هدف قرارداد را کاملاً تباه می‌سازد و در چنین صورتی خسارت معنوی قابل مطالبه خواهد بود، هر چند که در زمینه‌ی تجارت بین‌المللی، چنین قراردادهایی نادر و غیرمعمول است.^{۱۱۶}

دوم - اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UPICC)

در ماده‌ی (۲) ۴-۷ از اصول یاد شده زیان غیرمالی ناشی از نقض قرارداد مورد تصریح واقع و صدمه‌ی جسمانی و فشار روحی و روانی به عنوان غرامت قابل مطالبه در نظر گرفته شده است.

اگر چه ماده‌ی مرقوم، مطالبه‌ی خسارت غیرمالی را به رسمیت شناخته، اما دقیقاً مشخص نشده است که در کدام موارد چنین خسارتی قابل مطالبه است.

در این خصوص گفته شده که حقوق تطبیقی نمی‌تواند در این زمینه کمک موثری نماید، زیرا در برخی از سیستم‌های حقوقی مانند ایالات متحده، و انگلستان و آلمان، جز در موارد استثنایی، خسارت معنوی قراردادی قابل مطالبه نمی‌باشد و برعکس در برخی دیگر

114 . Available at: <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cases/031849i1.html>.

115 . Saidov, Djakhongir & Cunningham, Ralph, Contract Damages, Domestic and International Perspectives, Hurt Pub., 2008, North America, p.403.

116 . Available at: <http://www.jus.uio.no/sisu>.

از نظام‌های حقوقی مانند فرانسه، بلژیک و اسپانیا، به طور کلی امکان جبران آن وجود دارد.^{۱۱۷}

اما به نظر می‌رسد که برخلاف این پندار، با مطالعه‌ی آرای صادره در کشورهای مختلف می‌توان بسیاری از پرسش‌ها را پاسخ داد، زیرا همان‌گونه که در بررسی تطبیقی نظام‌های مختلف ملاحظه کردیم، تعدادی از دعاوی وجود دارند که در آن‌ها دریافت خسارت معنوی مورد تایید قرار گرفته و از ملاک واحدی تبعیت می‌نمایند.

به عنوان مثال در کشورهای انگلستان، آمریکا و فرانسه امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی در قراردادهایی که هدف عمده و اصلی آن‌ها تامین آسایش و آرامش روحی و لذت زندگی است پذیرفته شده است؛ این قاعده‌ی کلی را می‌توان به قراردادهای بین‌المللی نیز تعمیم داد. قابل ذکر است، محدوده و قلمرو اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی گسترده‌تر از کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (که اختصاص به بیع دارد) می‌باشد و لذا امکان تحقق خسارت معنوی در ارتباط با اصول مورد بحث بیش‌تر است.

براساس حکم یک دیوان دآوری^{۱۱۸}، به استناد اصول یاد شده، هر چند جبران خسارت کامل پیش‌بینی شده، اما جبران خسارت معنوی در صورتی است که زیان‌دیده یک شخصیت حقوقی مستقل باشد.

این استدلال با شرح رسمی ماده‌ی (۲) ۴-۷ که خسارت معنوی را نسبت به هنرمندان و ورزشکاران یا زنان و مشاوران قابل تحقق دانسته است، هماهنگی ندارد. به عبارت دیگر، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، مطالبه‌ی زیان معنوی را منحصر به

117 . Feliu, *op.,cit.*

118 . A-1795/91 Available at: [http://www.Law.bepress.com/villanovawps/papers/art53\(p.64\)](http://www.Law.bepress.com/villanovawps/papers/art53(p.64)).

اشخاص حقوقی ننموده بلکه اشخاص حقیقی نیز به عنوان زیان‌دیده از چنین حقی برخوردارند.

در مواد ۷-۴-۳ و ۷-۴-۴ به ترتیب به قطعیت ورود زیان و قابلیت پیش‌بینی ضرر اشاره شده و بنابراین خسارت معنوی براساس این شرایط عمومی، قابل مطالبه در نظر گرفته شده است.

سوم - اصول حقوق قراردادهای اروپا (PECL)

اصول یاد شده نیز همانند اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، مطالبه‌ی خسارت غیرمالی ناشی از نقض قرارداد را در شق (الف) از بند ۲ ماده‌ی ۵۰۱-۹ مورد تایید قرار داده است. زیان‌های غیرمالی ممکن است درد و رنج و ناراحتی ناشی از صدمه‌ی جسمانی باشد یا از ناامیدی و آزرده‌گی منتج شود.

در توضیح این ماده بیان شده است که اگر کسی با یک آژانس مسافرتی قرارداد یک پکیج مسافرتی را منعقد نماید که شامل یک هفته گردش در محل اقامت وسیع، در یک هتل لوکس و همراه با غذای عالی باشد، اما آژانس مزبور، یک اتاق کوچک و کثیف را همراه با غذای نامناسب در اختیار مسافر قرار دهد، وی استحقاق دارد که خسارت روحی و روانی ناشی از محرومیت از لذت را مطالبه نماید.^{۱۱۹}

تعیین شیوه‌ی جبران خسارت معنوی در چنین مواردی در اختیار دادگاه است که می‌تواند الزام به جبران خسارت یا الزام به انتشار آگهی در روزنامه (در مواردی که توافق منع رقابت تجاری نقض شده است) و نظایر آن باشد.^{۱۲۰}

119 . Iando & Beale, *op. cit.*, p.436, Comment D.

120 . Available at: <http://www.jus.uio.no/sisu>.

از تصریحی که اصول مورد بحث در قلمرو قراردادهای بین‌المللی در زمینه‌ی امکان مطالبه‌ی خسارت معنوی به عمل آورده‌اند، اهمیت موضوع و توجه به ابعاد روحی و معنوی نقض قرارداد، بیش از گذشته استنباط می‌شود و تمایل حقوق‌دانان را به امکان مطالبه‌ی چنین خساراتی، آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

۱- در نظام‌های حقوقی مختلف، وجود قرارداد معتبر، قابلیت پیش‌بینی ضرر، وظیفه‌ی زیان‌دیده در کاهش خسارت و مستقیم بودن ضرر، از جمله شرایط مطالبه‌ی زیان معنوی تلقی شده‌اند. در کشورهای مورد مطالعه، مطالبه‌ی خسارت معنوی در قراردادهایی مورد پذیرش قرار گرفته است که هدف اصلی و انگیزه‌ی عمده‌ی طرفین، تامین نیازهای غیرمالی، معنوی و عاطفی بوده و بر جنبه‌ی مالی و اقتصادی آن غلبه داشته است. عدم پذیرش مطالبه‌ی خسارت معنوی در آن دسته از قراردادهایی که صرفاً تامین‌کننده‌ی نیازهای روحی و روانی و معنوی است، این تالی فاسد را به دنبال دارد که به رغم نقض قرارداد، متعهد ملزم به هیچ‌گونه جبرانی نیست، زیرا خسارات مالی در این‌گونه قراردادها به وقوع نمی‌پیوندد.

۲- از جمله قراردادهایی که نقض آن موجب جبران خسارت معنوی است قرارداد راجع به مسافرت با آژانس‌های مسافرتی، قرارداد خاک سپاری مردگان، قراردادهای ارسال پیام تحت شرایط اضطراری و خاص، قراردادهای ظهور فیلم عروسی و نظایر آن می‌باشد. باید توجه داشت که ملاک اصلی، هدف و انگیزه‌ی طرفین از انعقاد عقد است و عرف و اوضاع و احوال حاکم بر عقد نیز باید مد نظر قرار گیرد. به نحوی که بیان شد، در قراردادهای بیمه‌ی ناتوانی یا حتی قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز چنین خساراتی قابل مطالبه اعلام شده است. معیار اساسی آن است که وقوع خسارت معنوی به هنگام نقض قرارداد، قابل پیش‌بینی باشد. باید توجه داشت که صرف ناراحتی ناشی از نقض قراردادهای مالی و اقتصادی (در صورتی که عرفاً قابل اغماض تلقی گردد)، تحت عنوان خسارت قابل جبران نیست.

۳- این عقیده که مطالبه‌ی خسارت معنوی قراردادی در نظام حقوقی کامن‌لا، برخلاف قاعده بوده و امری استثنایی است و دریافت آن در نظام حقوقی رومی ژرمنی مطابق قاعده است، صحیح به نظر نمی‌رسد. در هر دو نظام حقوقی تحت شرایطی، مطالبه‌ی

خسارت معنوی، امکان‌پذیر است. با توجه به تحولات اخیر در رویه‌ی قضایی انگلستان و آمریکا، امروزه مطالبه‌ی خسارت معنوی (برخلاف رویه‌ی گذشته) موکول و منوط به تحقق آسیب جسمانی نمی‌باشد، هرچند که ممکن است خسارات معنوی به تبع آسیب جسمانی حاصل شود.

۴- در برخی کشورها، به جبران خسارت معنوی ناشی از نقض قرارداد در متون قانونی تصریح شده است، مانند ماده‌ی ۱۴۵۸ قانون مدنی کبک و ماده‌ی ۱۹۹۸ قانون مدنی لویزیانا، در حالی که در اکثر کشورها، رویه‌ی قضایی براساس اصول کلی حقوقی و تسری قواعد مسئولیت قهری به مسئولیت قراردادی، مطالبه‌ی خسارت معنوی را پذیرفته است.

۵- در برخی کشورها مانند آمریکا، مصر و ایتالیا به موجب نظریات ارایه شده یا متون قانونی در راستای مطالبه‌ی خسارت معنوی، چنانچه نقض قرارداد با سوءنیت و ظالمانه و یا عمدی باشد، زیان معنوی وارده حتی اگر غیرقابل پیش‌بینی نیز باشد، قابل مطالبه است.

۶- رویه‌ی قضایی کشور ما درخصوص خسارت معنوی قراردادی ساکت است و این نقیصه، معلول عوامل حقوقی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. چنانچه کرامت و جایگاه معنوی اشخاص در جامعه در موقعیت بایسته‌ی خود قرار گیرد، می‌توان امیدوار بود تا زیان‌دیدگان با طرح دعاوی خسارت معنوی زمینه‌ساز گشایش باب بحث در رویه‌ی قضایی باشند. مطالعه‌ی تطبیقی نشان می‌دهد که عمده‌ی تحولات حقوقی در این باره، مرهون حقوق‌سازی رویه‌ی قضایی است.

۷- در حقوق ایران و اسلام جبران ضرر معنوی به رسمیت شناخته شده است. با آن که در حقوق موضوعه‌ی ایران مسئولیت به دو نوع قهری و قراردادی شناخته شده، مع‌الوصف در حقوق اسلام تفکیکی بین این دو نوع مسئولیت وجود ندارد. پس هیچ دلیلی برای محدود ساختن مطالبه‌ی خسارت معنوی در دعاوی مسئولیت قهری وجود ندارد و در نقض قراردادهایی که به انگیزه‌ی تامین منافع غیرمالی منعقد شده است و یا در قراردادهایی

که وقوع خسارت معنوی، به هنگام نقض، محتمل و قابل پیش‌بینی است، مطالبه‌ی زیان معنوی امکان پذیر است.

فهرست منابع

۱. اصغری، فخرالدین، «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران»، مجله پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
۲. السنهوری، عبدالرزاق احمد، **الوسیط فی شرح القانون المدنی**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۸.
۳. شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، «آثار قراردادهای و تعهدات»، ج سوم، تهران، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۴. صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، «قواعد عمومی قراردادهای»، ج دوم، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۵. فرج الصده، عبدالمنعم، **نظریه العقد فی قوانین البلاد العربیه**، نشر دارالنهضة العربیه، ۱۹۷۴.
۶. غمامی، مجید، **قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی**، تهران، نشر انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۷. کاتوزیان، ناصر، **الزامهای خارج از قرارداد**، مسئولیت مدنی، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۸. کاتوزیان، ناصر، **قواعد عمومی قراردادهای**، ج چهارم، تهران، نشر انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.
۹. واحدی، جواد، ترجمه **قانون تعهدات سوییس**، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
1. Avallone, P. Maria Basseto, «The Award of Punitive and Emotional Distress Damages in Breach of Contract», 8 New Eng. Int'l & Comp.L. Ann. 253, 2002.

2. Busch, Danny & Others, **The Principles of European Contract Law and Dutch Law**, Kluwer , 2002.
3. Christie, R.H., **Non-Pecuniary Loss in Commercial Contracts**, University of Capetown, Department of Private Law.
4. Cohen Ronnie & O'Byrne, Shannon , «**Cry Me a River: Recovery of Mental Distress Damages in a Breach of Contract Action**», A North American Perspective , American Business Law Journal, Vol. 42, 2005.
5. Enonchong Nelson, «**Breach of Contract and Damages for Mental Distress**», Oxford Journal of Legal Studies, Vol. 16, No. 4, 1996.
6. Feliu, Josep Sole, **Non-Pecuniary Losses for Breach of Contract: Principles, Models and Spanish Law**, 2009, available at: [http:// www.indret.com](http://www.indret.com)
7. Ginot, E., **La responsabilité contractuelle**, Master Partiques Juridiques et Judiciaries Promotion, Nime,2007.
8. Handford, P.R., «**Moral Damage in Germany**», International & Comparative Law Quarterly, Vol. 27, No. 4, 1978.
9. Holmes, Renee , «**Mental Distress Damages for Breach of Contract**», Victoria University, Wellington Law Review, 2004.
10. Knapp, L. & Crystal, Nathan M. & Prince Harry G., **Problems in Contract Law**, New York, Aspen Law & Business, 1999.
11. Lando, Ole & Beale, Hugh , **Principles of European Contract Law**, Hauge, Kluwer pub. , 2000 .
12. Markesinis, Sir Basil & Others, **The German Law of Contract**, 2ed, Hart., 2006.

13. Nicholas, Barry, **The French Law of Contract**, 2d ed., Clarendon pub., USA, 1992.
14. Ribeiro, Robert , **Commercial Litigation, Damages and other Remedies for Breach of Contract**, London, Thorogood, 2005.
15. Saidov, Djakhongir & Cunningham, Ralph, **Contract Damages**, Domestic and International Perspectives, North America, Hurt, 2008.
16. Scheme, Bruce V. & Hale, Debra J., «**Obligations**», Louisiana Law Review, Vol. 53, 1993.
17. Simpson, W. Scott & Others, «The Source of Alabama's Abundance of Arbitration Cases: **Alabama's Bizarre Law of Damages for Mental Anguish**», American Journal of Trial Advocacy, Vol. 28, 2004.
18. Stockmeyer, N.O., «**Damages for Breach of Contract, Measurement and Limitations**», Michigan Bar Journal, 2003, available at: http://www.michbar.org/e-journal/bar_journal/stockmeyer_web.htm.
19. Tebbe, Jr C. Graham, «**Mental Suffering Arising from Breach of Contract**», California Law Review, Vol. 49, No. 4 1961.
20. Treitel, G. H., **Law of Contract**, 9th ed., London, Sweet & Maxwell, 1995.
21. The Principles of European Contract Law (**PECL-1999**).
22. Unidroit Principles of International Commercial contracts (**UPICC-2004**).
23. United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (**CISG-1980**).
24. <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/peclcomp74.html#cnpc>.
25. <http://www.cisg.law.pace.edu/cisg/text/treaty.html>.

26. <http://www.cisgw3.law.pace.edu/cases/031849i1.html>.
27. <http://www.in.gov/Judiciary/opinions/archive/060802.ewn.html>.
28. <http://www.jus.uio.no/sisu>.
29. <http://www.law.bepress.com/villanovawps/papers/art53>.
30. [http://www.lawprofessors.typepad.Com/contractsprof-blog/2007/09/Contract _breach.html](http://www.lawprofessors.typepad.Com/contractsprof-blog/2007/09/Contract_breach.html).
31. <http://www.legis.state.la.us/lss/lss.asp?doc=109252>.
32. <http://www.scc.lexum-umontreal.ca>.